

گونه‌ی نظام اقتصادی افغانستان در اندیشه دکتر دستگیر "رضایی"

افغانستان کشوری است در حال توسعه و بر اساس روی‌کردهای تثبیت پیشرفت تاریخی از جمله، دوره بندی تاریخ بشریت کارل مارکس (روی‌کرد فرماسیونی) که دوره بندی تاریخ بشریت را براساس تغییر شیوه تولید (وحدت نیروی‌های مولده و مناسبات تولید) ارزیابی نموده و بر اساس آن پنج شیوه تولید (کمون اولیه، برده داری، فئودالی، سرمایه‌داری و سوسیالیستی (کمونستی) را مشخص کرده است.

همین‌گونه براساس یکی از نظریه‌های مدرن مبتنی بر روی‌کرد تمدنی، "نظریه مراحل رشد اقتصادی" که بر اساس این نظریه، مراحل رشد با تعامل عوامل فنی، اقتصادی، تولیدی، سیاسی و غیره تعیین می‌شود. تغییر مراحل توسط تغییرات در بخش پیش‌رو اقتصاد ملی هدایت (دیگته) می‌شود. از دید صاحب این نظریه "روستو"، در اصل دو نوع جامعه وجود دارد: جامعه سنتی (پیش سرمایه داری) و صنعتی (سرمایه داری) است. او شش مرحله رشد اقتصادی را می‌بیند: جامعه سنتی؛ مرحله آماده سازی شرایط برای "تغییر" یا جامعه انتقالی؛ مرحله تغییر و انتقال به توسعه صنعتی؛ جامعه فراصنعتی؛ مرحله مصرف انبوه و مرحله دوره مدرن است.

به باور رستو، هیچ کشوری نمی‌تواند از یک مرحله پرش کند یا آنرا به ترتیب دیگری طی کند. اگر چه مسیر توسعه برای همه کشورها یکی است، اما گذر از مراحل پیش‌تر یا کمتر ماهیت فردی را بخود می‌گیرد. در کشورهای مختلف، نرخ گذر (عبور) از مراحل تا حد زیادی می‌تواند متفاوت باشد. کشورهای عقب در توسعه با استفاده از تجربه کشورهای پیش‌رو، فرصت آنرا به دست می‌آورند که به آن برسند یا حتی آنرا پشت سر بگذارند. به عنوان مثال، در حالی‌که در ایالات متحده آمریکا "خیزش" صنعت نزدیک به نیم قرن پس از بریتانیا بود، اما به مرحله "مصرف بالا" امریکا چند دهه پیش از انگلستان رسید.

هرگاه تفکیک و ماهیت نظام های اقتصادی افغانستان و نظریه‌ی دوره بندی تاریخ بشریت کارل مارکس و نظریه‌ی مراحل رشد اقتصادی رستو را اساس تحلیل و ارزیابی قرار دهیم. نظام اقتصادی پیش از سال ۱۳۸۲-۲۰۰۳ یک نظام اقتصادی با ویژگی خاص که در آن افزون به ویژه‌گی‌های نظام سنتی/عنعنوی؛ مظاهر و اجزای نظام های اقتصادی سرمایه داری آزاد از جمله (گسترده‌گی اقتصاد خرد و رقابت آزاد)؛ سرمایه داری مدرن از جمله (فراپند شکل‌گیری کارآفرینی، نخست در بخش تجارت با ایجاد شرکت‌های تجاری، سپس در شکل شرکت‌های تجاری - صنعتی برپایه مالکیت خصوصی سرمایه داری، با ویژه‌گی در بخش صنایع، یعنی یک‌باره گذار به تولید فابریکاتی - کارخانه ای بی‌گذار از مرحله رشد و توسعه همکاری ساده سرمایه داری و کارخانه در وضعیت پایین سطح تولید نیروی های مولد در صنایع از سال های ۲۰ سده بیستم که ویژه‌گی رشد صنایع در افغانستان است؛ - افغانستان به جامعه ترکیبی و مختلط به گونه‌ای که براساس روی‌کرد فرماسیونی مارکس (به جامعه‌ای فئودالی در حال گذار به سرمایه داری و در مرحله‌ای نخست سرمایه‌داری قرار دارد و براساس روی‌کرد متمدانانه رستو، به نوع جامعه عنعنوی - سنتی و مرحله آماده سازی شرایط برای "تغییر" یا جامعه انتقالی؛ مرحله تغییر و انتقال به توسعه صنعتی تعلق می‌گیرد).

بنابراین، با توجه به شکل و ماهیت ساختار ترکیبی نظام اقتصادی گذشته افغانستان و مخرج مشترک آن من آنرا بشکل فرضی یک نظام اقتصاد سنتی چند ساختاری و ترکیبی در مسیر گذار در سال ۱۳۸۲ تعریف کردم و کتابی را بنام "گذار افغانستان از اقتصاد سنتی چند ساختاری و ترکیبی به نظام اقتصاد بازار" در سال ۱۳۹۰ تهیه و به چاپ رساندم.

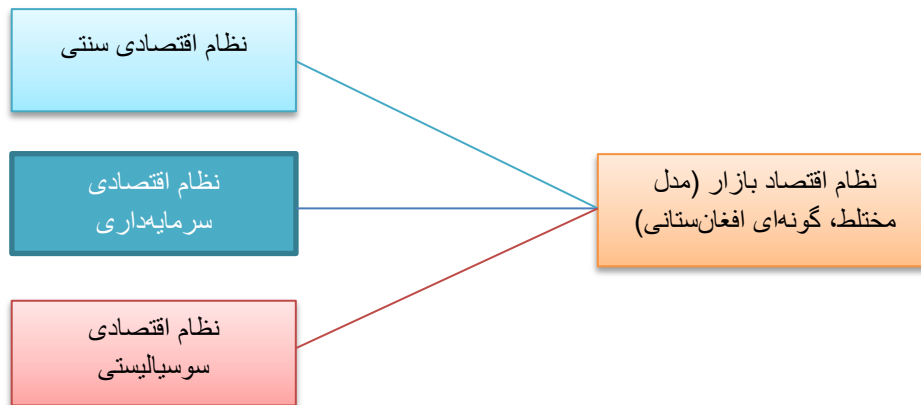
اندیشه‌ی گونه‌ی نظام اقتصادی

به‌باور من، نظام اقتصادی بهینه برای افغانستان «نظام اقتصاد بازار» و الگوی (model) اقتصادی بهینه و سازگار آن «مدل اقتصادی مختلط، گونه‌ی افغان‌ستانی» می‌تواند باشد.

من این الگو را پس از مطالعه‌ی پی‌هم و روش‌مند و نظام‌مند خود در باره دیدگاه‌های دانش‌مندان اقتصاد، نظام‌های فکری اقتصادی، نظام‌های اقتصادی واقعی و تجربه زندگی در کشورهای با نظام‌های سوسیالیستی، سرمایه‌داری (دولت رفاه)، دیدگاه‌ها در پیوند به اقتصاد اسلامی و نظام سرمایه‌داری دولتی (افغانستان) پیش‌نهاد می‌کنم.

زیرا الگوی «مختلط اقتصاد» در برگزیده‌ای مزایای نظام‌های اقتصادی سوسیالیستی، سرمایه‌داری (نیولیبرالیسم، دولت رفاه) و دیدگاه‌های اقتصادی اسلامی (به‌ویژه اصل عدل و انصاف و بُعد رفتار "انسان اسلامی" که در کنار مطلوبیت مادی تعالی روحی را که از خدمت‌رسانی به دیگران، جامعه اسلامی (امت) حتمی می‌داند) است و هم از مبنای قانونی (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان) و پشتوانه‌ی ارزش‌های فرهنگی، دینی جامعه سنتی افغانستان برخوردار می‌باشد. این یک

نمونه‌ی از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از عناصر مختلف است که می‌تواند از فضای درونی نظام‌های گوناگون بهره برد، می‌باشد. هرگاه باز هم مردم در نظام اقتصاد بازار و الگوی «مختلط اقتصادی گونه‌ی افغان‌ستانی» پیشنهادی من خوش‌بخت نشوند، در هر حالت، آن به نظام و الگوی اقتصادی مربوط نمی‌شود.



همین‌گونه نظام اقتصاد بازار (مدل مختلط گونه‌ی افغان‌ستانی) ثمره‌ی نظام‌های فکری گوناگون می‌باشد و می‌تواند همه عناصر مثبت نظام‌های اقتصادی را در خود جذب کند و استعداد کارآمدی را در اکنون و انعطاف‌پذیری و پایداری را در آینده داشته باشد. شکل‌گیری معیاری و دقیق الگوی «اقتصاد مختلط» وجود ندارد، بار ترکیب (دوز) از کشور تا کشوری متفاوت بوده و است. در افغان‌ستان نیز باید متأثر از سطح توسعه اقتصادی، ویژه‌گی‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی، پیشینه‌ی تاریخی و دیگر ارزش‌ها و حساسیت‌ها باشد.

شایان یادآوری‌ست که نظام اقتصادی دولت رفاه به شمول اقتصاد بازار اجتماعی نیز مختلط است، اما دولت‌های رفاه سطح پیش‌رفته و مدرن نظام سرمایه‌داری به‌ویژه غرب است. افغان‌ستان نیز می‌تواند این نظام را متناسب و سازگار به‌شرایط خود داشته باشد، ولی برای رسیدن به آن باید پله‌های رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی را هم‌پا و متناسب به امکانات و شرایط تا اندازه ممکن شتابان بپیماید تا به این مرحله و نظام برسد.

نگفته نگذاریم که نظام اقتصادی بیش‌تر چیزی نیست که ما را در تصرف داشته باشد یا بر سر ما نازل شده باشد، بلکه تا حدی به‌کلی نو و دل‌خواه تنظیم می‌شود یا در جهتی دیگری چرخانده می‌شود.

آگاهی از تاریخ پیدایش نظام‌های اقتصادی و آنچه که پیش‌تر رُخ‌داده امری درست و سزاوار توجه بیش‌تر است. بی‌جهت نیست که اقتصاددانان برای یافتن یک جانشین برای تجربیات آزمایش‌گاهی توجهی ویژه به تجربیات وابسته به روی‌داده‌های تاریخی دارند.

از این‌رو، لازم است که چشم‌انداز تاریخی را از نظر ناندازیم.

افزون بر آن، شناخت درست از نظام اقتصادی، پیشینه و گونه‌ی شکل‌گیری آن در افغان‌ستان نیز مهم است. چون‌که نظام اقتصادی افغان‌ستان تا حد بسیاری در رابطه با پیشینه‌ی تاریخی این کشور شکل گرفته است. بر پایه کروئولوژی، نظام اقتصادی افغان‌ستان در سده‌های هفدهم و هجدهم، نوزدهم با محوریت کشاورزی، در آخر سده‌ی نوزدهم پدیده صنعت ماشینی پدیدار می‌گردد، از نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم با محوریت کشاورزی و صنعت و از نیمه دوم سده بیستم تا اکنون با محوریت کشاورزی، صنعت و خدمات استوار می‌باشد.

بنابراین، گزینش نظام و مدل اقتصادی برای کشور از اهمیت زندگی ساز برخوردار می‌باشد.

میزان شناخت در گزینش یک نظام و مدل اقتصادی بهینه برای افغان‌ستان!

-برپایه‌ی جست‌وجو و پژوهش انجام داده‌ام، میزان شناخت در گزینش یک نظام اقتصادی بهینه پیش از همه بر دو اصل زیر استوار می‌باشد:

۱- مقایسه‌ای برتری‌ها و کمبودی‌ها (مزایا و معایب) نظام‌های واقعی اقتصادی موجود و تجربه شده در جریان ۲۰۰ تا ۲۵۰ سال یا دست‌کم در ۱۰۰ سال پسین درجهان ؛

۲- ویژه‌گی اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پیشینه‌ی ساختارها و نظام‌های اقتصادی در افغانستان.

به باورم، چنین روی‌کرد و سنجش به احتمال قوی بلکه به اطمینان می‌تواند کلید و گشایشی برای تشخیص و شناخت نظام بهینه اقتصادی برای افغانستان به‌دست دهد .

سرچشمه‌ها

1- F. Hartog, 'Economische stelsel , 1970

2- والت ویمن رستو- Walt Whitman Rostow (۱۹۱۶ - ۲۰۰۳) "The stages of economic growth".

3- Marie Lavigne, The Economics of Transition From Socialist Economy to Market Economy, palgrave.1999

4- Stephan Viljoen, Economische Systemen in de Wereldgeschiedenis 2, Uitgeverij Het Spectrum Utrecht/Antwerpen, 1976. Original title: Economic Systems in World History, Longman Group Ltd., London, 1974

5- "Экономическая система общества. Типы экономических систем"

<http://modern-econ.ru/vvedenie/problemu/typy-sistem/sistema-obshestva.html>

6- داستان- معجزه- اقتصادی- آلمان <https://bourgeois.ir>

7- سیاست اقتصادی ح.د.خ. ا. کابل- جدی 1366، ص، 10.

سعید رجبی توارات

8- بخش- خبر- 537144/64- ژاپن- یک- الگو- چین- در- مسیر- موفقیت

[/http://donya-e-eqtesad.com](http://donya-e-eqtesad.com)

9- سید محمود طالقانی " اسلام و مالکیت "، 1344 ه ش، ص، 184- 185 .

10- گریگوری منکیو ، مبانی علم اقتصاد، ترجمه دکتر حمید رضا ارباب، تهران، نشر نی، 1387.

11- قانون اساسی افغانستان تصویب لویه جرگه 22 قوس الی 14 جدی و توشیح 6-11-1382 رئیس جمهور منتشره جریده رسمی شماره (818)، صفحه، 6.